

درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۴ آبان ۱۳۸۹

موضوع کلی: تقسیمات حکم شرعی

مصادف: ۱۷ ذی القعدة ۱۴۳۱

موضوع جزئی: دیدگاهها پیرامون حکم تاسیسی و امضائی

جلسه: ۲۱

تدوین: رضا سیدآبادی

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه بحث گذشته:

بحث در انظار و آراء مختلف در باب حکم تاسیسی و امضائی بود و اینکه آیا حکم امضائی به عنوان یکی از اقسام حکم شرعی شناخته می شود یا نه؟ سه دیدگاه را عرض کردیم: یک دیدگاه قائل به صحت تقسیم حکم شرعی به حکم تاسیسی و امضائی بود و اینکه حکم امضائی یک مجعول شرعی است که در مقابل حکم تاسیسی قرار دارد. بنا بر دیدگاه دوم حکم امضائی یک مجعول شرعی نیست یعنی امضاء داریم ولی به معنای تایید یا عدم مخالفت است که از آن یا کشف رضایت می شود یا فقط کشف عدم منع می شود؛ طبق این نظر یک حکم بیشتر نداریم و چیزی به عنوان حکم امضائی که مجعول شرع باشد نداریم.

دیدگاه سوم این بود که امضاء شارع به معرای جعل حکم مماثل با حکم عقلاء است، طبق این نظر در واقع احکام امضائیه یک صورت امضائی دارند ولی در واقع همان جعلی و تاسیسی هستند، که ما این را به عنوان یک دیدگاه مستقل می شناسیم.

کلام صاحب منتقی الاصول:

قرار بود کلام صاحب منتقی الاصول ذکر شود این کلام را ذکر کنیم و ببینیم آیا قابل قبول هست یا خیر؟ ایشان می گوید به طور کلی دلیلی که متکفل بیان حکم مماثل با یک حکم موجود تحقق یافته هست به یکی از این سه نحو است. یعنی حکمی که توسط عقل یا عقلاء اعتبار شده و شارع می خواهد با یک دلیلی بیاید یک حکمی را که مثل این حکم عقلی یا عقلائی است بیان کند به یکی از این سه نحو است:

به نظر ایشان دلیلی که در مقام بیان یک حکم مماثل با یک حکم متحقق موجود از ناحیه غیر - حکم غیر یعنی حکم دیگری - می باشد از یکی از این سه حال خارج نیست: چون تارة این حکم اخلبوی است و اخری انشائی، اما اخباری در واقع مقصود از آن اخبار از تحقق یک حکم است و خبر می دهد یک حکمی تحقق دارد این به حسب صورت و ظاهر انشاء الحکم است ولی در واقع خبر از تحقق یک حکم می دهد مثل اوامر ارشادیه که به صورت انشاء می باشند ولی در واقع اخبار از تحقق متعلق آن اوامر در خارج است.

سوال: آیا آن حکم اعتبار یافته حتما باید حکم عقلی یا عقلائی باشد یعنی آیا نمی شود آن حکم اعتبار یافته محقق موجود یک حکم شرعی باشد و این حکم امضائی ارشاد به یک حکم شرعی باشد؟

استاد: در مواردی که حکمی توسط شارع جعل شده و شارع بخ واهد در دلیل دیگری آن حکم را بیان کند این صرفاً تاکید حکم قبلی است نه اینکه امضاء باشد. ایشان در آخر کلامشان می گوید از هر سه نحوه دلیل عنوان امضاء و تقریر انتزاع می شود، در حالی که در این موارد که شما می گوئید اصلاً بحث امضاء مطرح نیست بلکه صرفاً تاکید آن حکم قبلی است و یا به یک جهت و خصوصیتی در مورد آن حکم اشاره می کند. مثلاً «لا تصل فی وبر ما لا یؤکل لحمه» یک دلیل شرعی است که ارشاد به مانعیت دارد ولی به هیچ وجه یک دلیل امضائی محسوب نمی شود. یعنی اینطور نیست که قبلاً حکمی جعل شده و این ارشاد به آن حکم است. این دلیل خودش در واقع بیان بطلان صلاة در فرض مذکور است ولی مانعیت وبر ما لا یؤکل لحمه را هم ثابت می کند. یا مثلاً در مواردی دلیل شرعی ارشاد به جزئیت می کند ولی در هیچ یک از این موارد عنوان امضاء و تقریر انتزاع نمی شود.^۱

^۱. در این جلسه به علت کثرت سوال و جواب، این بخش تلخیص شده است.